

## مقاله پژوهشی

# آینده‌پژوهی فقر شهری در بافت‌های تاریخی با تأکید بر رویکرد توانمندسازی مورد پژوهی: بافت تاریخی شهر یزد

علیرضا صمدی<sup>۱</sup>، آزاده اربابی سبزوایی<sup>۲\*</sup>، حمیدرضا جودکی<sup>۳</sup>، طوبی امیر عضدی<sup>۲</sup>، فاطمه ادیبی سعدی نژاد<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم پایه، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم پایه، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم پایه، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

doi 10.22034/grd.2024.20272.1584

## چکیده

مسئله فقر شهری یکی از مشکلات اصلی در بافت‌های تاریخی است که در ابعاد مختلفی چون عدم امنیت در مالکیت، فقر درآمدی ساکنان، آسیب‌پذیری معیشت شهروندان، فقر حقوقی و محرومیت اجتماعی و ... ظهور یافته است. در این بین، نقش و اثرات توانمندسازی می‌تواند در برنامه‌ریزی برای مقابله با فقر شهری در بافت‌های تاریخی بسیار تعیین‌کننده باشد. هدف این پژوهش شناسایی پیشران‌های کلیدی مؤثر بر کاهش فقر شهری در بافت تاریخی شهر یزد به منظور توانمندسازی این بافت و تدوین سناریوهای محتمل برای افق ۱۴۲۲ است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر ماهیت پژوهش، تحلیلی-اکتشافی، از نظر روش گردآوری داده‌ها به صورت توصیفی-پیمایشی و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت آمیخته (کمی-کیفی) است. جامعه آماری پژوهش گروه ۳۰ نفری از خبرگان متخصص میان‌رشته‌ای در زمینه‌های بافت فرسوده و تاریخی، فقر شهری و رویکرد آینده‌پژوهی هستند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. در این پژوهش ابتدا با تکنیک پویا محیطی و دلفی طی دو راند، ۳۵ عامل اولیه در سه حوزه مختلف اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی استخراج شده و با تحلیل ساختاری در نرم‌افزار میک‌مک، ده عامل اصلی به‌عنوان پیشران‌های کلیدی مؤثر بر کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج حاصل از ماتریس اثرگذاری عوامل، از مجموع ۲۲۱۳ رابطه اثرگذاری مستقیم عوامل، متغیرهای بخش اجتماعی با کسب امتیاز ۹۳۸، بیشترین تأثیر را در راستای کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی در محدوده مورد مطالعه داشته‌اند. در مرحله بعد با توجه به شاخص اجماع به‌دست‌آمده برای این پیشران‌ها، دو پیشران سرمایه اجتماعی و وجود انواع نظام‌های مالی منعطف به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شدند و از تلاقی این دو عدم قطعیت، سه سناریو برای آینده بافت تاریخی یزد در افق ۱۴۲۲ به دست آمده است.

تاریخ دریافت:

۰۹ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۰۲ دی ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

آینده‌پژوهی، فقر شهری، بافت تاریخی، توانمندسازی، شهر یزد.

## ۱ مقدمه

در سال ۲۰۱۴ از کل جمعیت جهان ۵۴٪ در شهرها زندگی می‌کردند در حالی که این رقم برای سال ۲۰۵۰ حدود ۷۰ درصد برآورد شده است (تامسون و نیومان، ۲۰۱۸:۲۲۰). شهرها با اینکه نمایانگر زمینه‌هایی هستند که منابع،

Email: Az.Arbabi@iau.ac.ir

\* نویسنده مسئول: آزاده اربابی سبزوایی  
آدرس: گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامشهر

<sup>1</sup> Thomson & Newman

سرمایه، مهارت‌ها و استعدادها در آن متمرکز شده‌اند، درعین‌حال، آن‌ها همچنین مکان‌هایی هستند که در آن چالش‌های زیادی در زمینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و ابعاد فرهنگی وجود دارد (دلا اسپینا، ۱:۲۰۱۹). از مهم‌ترین پیامدهای روند شتابان شهرنشینی در کنار عدم تأمین زیرساخت‌های مناسب شهری برای ساکنان و مهاجران شهرها، به وجود آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده پیرامون شهری و درون‌شهری است (انمارک، ۲:۲۰۰۴). بافت‌های فرسوده، موضوعی جهانی است و سابقه آن به بازسازی‌های بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا برمی‌گردد (ژنگ و همکاران، ۳:۲۰۱۷، ۳۶۵).

یکی از انواع بافت‌های فرسوده بافت تاریخی است. بافت‌های تاریخی به‌عنوان مکان‌هایی پرمعنا برای اجتماعات میزبان مطرح هستند زیرا حس تعلق ناشی از احساس غرور اجتماعات میزبان را شکل می‌دهد (تویید و ساترلند، ۴:۲۰۱۷). این‌گونه از مراکز شهری، ضرورت حفاظت از میراث گذشته را گوشزد می‌کنند. میراثی که به‌منزله پل میان گذشته و حال ملت‌ها و به‌عنوان ستون‌هایی که آینده بر آن استوار شده است، نقش ایفا می‌کند (میکس و مورفی، ۵:۳۰۵، ۲۰۱۶).

امروزه تحولات جدید شهری، شروع به تهدید هویت این مناطق کرده و باعث روند پوسیدگی و وخیم‌تر شدن این بافت‌های باارزش شهری شده است (چاندان و کومار<sup>۶</sup>، ۷۵:۲۰۱۹؛ نصرت آبادی و همکاران<sup>۷</sup>، ۱:۲۰۲۰). بسیاری از محلات بافت‌های تاریخی که زمانی سرزنده، جذاب و باکیفیت بوده‌اند، به دلایل مختلف دچار افول حیات شهری، اقتصادی و فرهنگی شده‌اند و بر این اساس جذابیت و کیفیت خود را از دست داده‌اند (بهادری نژاد و ذاکر حقیقی، ۵:۱۳۹۵). تداوم چنین فرم‌های فضایی، باعث شکل‌گیری نوعی از فرایند اجتماعی، اقتصادی، در محلات مسکونی بافت‌های تاریخی شده است، که در آن گروه‌های با درآمد بالا از این محلات خارج شده و مهاجرین و کارگر و عمدتاً فقیر، جایگزین آن‌ها شده‌اند. مجموعه این عوامل، باعث کاهش مطلوبیت سکونت در این بافت‌ها شده است (رهبان، ۱۳۸۸:۹۸). همچنین یکی از مهم‌ترین معضلات فقر شهری در این بافت‌ها، نبود راه‌حل برای مواجهه با این مسئله است. اکثر تصمیم‌گیری‌های ما درباره مسئله فقر در بافت‌های تاریخی در سطح شهر، سطحی بوده و یا هنگامی که مسئله به حادترین درجه ممکن رسیده به رفع و رجوع آن پرداخته‌ایم تا جایی که این موضوع امروزه تا حد تصمیم‌گیری‌های مراجع قدرت تغییر ماهیت داده است و به‌جای حرکت به‌سوی روش‌های علمی در دایره تصمیمات موضعی گرفتار آمده است (امان پور و سیاه‌گلی، ۶۱:۱۳۹۹). تاکنون رویکردهای مختلفی مانند حفاظت (۱۸۵۰-۱۹۵۰)، بازسازی شهری (۱۹۶۰-۱۹۵۰)، باز زنده سازی (۱۹۷۰-۱۹۶۰)، بازآفرینی اقتصادمدار (۱۹۸۰-۱۹۷۰)، بازآفرینی شهری (۲۰۰۰-۱۹۹۰)، و بازآفرینی پایدار شهری (۲۰۰۰ به بعد)، در مواجهه با این بافت‌ها و مسئله فقر شهری در آن‌ها مطرح شده است. در این راستا در بحث بازآفرینی پایدار شهری، رویکرد توانمندسازی به‌عنوان یکی از جدیدترین رویکردهای مواجهه و مدیریت پدیده فقر شهری مطرح شده است. این رویکرد که به‌عنوان یک راهبرد جهانی در نشست عمومی سازمان ملل نیز پذیرفته شد، بر ایجاد دامنه حق انتخاب برای کنشگران پهنه‌های فقیرنشین و احساس آزادی برای شکل دادن به نحوه زندگی خود از طریق گسترش دارایی‌ها و قابلیت‌ها، مبتنی است (اسکندریان و فیروزآبادی، ۶۰:۱۴۰۰).

<sup>1</sup> Della Spina

<sup>2</sup> Enemark

<sup>3</sup> Zheng et al

<sup>4</sup> Tweed & Sutherland

<sup>5</sup> Meeks & Murphy

<sup>6</sup> Chandan & Kumar

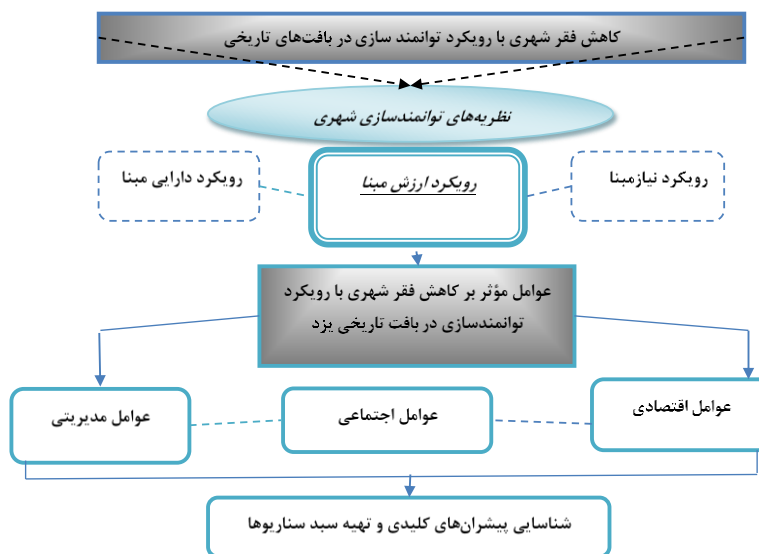
<sup>7</sup> Nosratabadi et al

در محدوده مورد مطالعه نیز، مطالعات انجام شده در بافت قدیم شهر یزد نشان می‌دهد که به علت مشکلاتی از قبیل: فقدان حداقل دسترسی‌های سواره لازم، وسعت زیاد اماکن مخروبه و متروکه، کاهش بازده اقتصادی کارگاه‌های نساجی دستی یا ماشینی اولیه، فقدان ضوابط و مقررات نوسازی روشن برای بازسازی مخروبه‌ها و تفکیک فضاهای مخروبه، ضعف ناحیه از نظر تسهیلات درمانی، فضای سبز، ورزشی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و همچنین پایین بودن منزلت اجتماعی آن جوانان آن را محل اسکان مناسبی نمی‌دانند و به همین خاطر به بخش‌های جدید کوچ می‌کنند و در اکثر خانه‌های بخش قدیم بیشتر افراد مسن باقی می‌مانند. در صورت مهاجرت دسته‌جمعی خانواده‌ها از بافت یا فوت افراد مسن باقی‌مانده، خانه‌ها به مهاجران کم‌درآمد وارد شده به بافت واگذار می‌گردد. هم‌اکنون بخش عمده‌ای از بافت قدیم مأوای روستائیان و اقوام گوناگون اعم از عرب و افغانی است. که این امر خود موجب دگرگونی بافت از نظر اجتماعی، فضاهای کالبدی و اقتصادی می‌شود و در نهایت ساخت فضایی- مکانی شهر با ناهماهنگی و ناموزونی روبه‌رو می‌شود (اسماعیل‌پور و همکاران، ۲۰۲۳). لذا توجه به این بافت و لزوم توانمندسازی گروه‌های فقیر شهری و احیاء و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی در این فضا و همچنین شناخت ارزش‌های بالقوه و به فعلیت رساندن آن‌ها منطبق با عملکردهای زندگی مدرن با روش نوین برنامه‌ریزی یعنی آینده‌پژوهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا در این پژوهش با روش آینده‌پژوهی به شناسایی مهم‌ترین پیشران‌های کاهش فقر شهری در بافت تاریخی شهر یزد با تأکید بر رویکرد توانمندسازی و همچنین تدوین سناریوهای محتمل پرداخته می‌شود.

## ۲ مبانی نظری

در رابطه با کاهش فقر شهری در بافت‌های تاریخی بر مبنای رویکرد توانمندسازی نظریه‌های مختلفی مطرح است. اولین دیدگاه رویکرد نیاز مبناست. در رویکرد نیاز مبنای، همه حقیقت موجود در محله‌های کم‌درآمد و نابسامان بافت‌های تاریخی، معضلات آن‌هاست و نیازها، کاستی‌ها و مشکلات اجتماع محلی، مبنایی برای توسعه قرار می‌گیرد. همچنین بودجه و امکانات مالی به‌جای ساکنان به‌سوی فراهم‌کنندگان خدمات هدایت می‌شود و روابطی که سبب دخالت عوامل خارجی می‌شوند، اهمیت می‌یابند و نه روابط محله‌ای‌ها باهم. راهبرد نیاز مبنای تنها می‌تواند بقا را تضمین کند و از آنجاکه از همه انرژی اجتماع محلی استفاده نمی‌کند، هرگز به تغییر جدی یا توانمندسازی اجتماعی محلی منجر نخواهد شد (مسعود و معزی، ۱۳۹۱: ۶۵). نظریه دوم، رویکرد دارایی مبناست. در رویکرد دارایی مبنای، سیاست‌های دارایی مبنای مردم‌گرا که بر توانمندسازی به‌جای استحقاق تأکید دارد، هم از مشارکت داوطلبانه و هم از مکان‌مبنا بودن آن نشئت می‌گیرد و این مسئله بر جامعیت آن دلالت دارد. از سوی دیگر، سیاست‌های دارایی مبنای مکان‌گرا به دلیل تأکید بر اهمیت سرمایه کالبدی در توسعه اجتماعی محلی و استفاده از آن به‌عنوان ابزاری برای افزایش سرمایه اجتماعی واجد همین ابزار است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲)؛ و اما نظریه آخر، رویکرد ارزش مبنای است. در این رویکرد بحث بر سر این است که دارایی (سرمایه اجتماعی و کالبدی) محله‌های نابسامان شهری و بافت‌های تاریخی را باید در مدار توسعه اقتصادی قرار داد و شهروندان تهیدست را کنشگران توسعه اجتماعی دانست. در این نگاه، شیوه حکمروایی اهمیت دوچندان می‌یابد تا ظرفیت‌ها و منابع درونی این اجتماعات را به یاری منابع بخش‌های دولتی / عمومی، خصوصی و جامعه مدنی به توانمندسازی و در نهایت توسعه پایدار اجتماعات مبدل کند (مشهدی زاده دهاقانی و رستمی، ۱۳۹۵: ۵۷).

با تکیه بر همین جمع‌بندی، مقاله حاضر بر کاهش فقر در بافت‌های تاریخی با تأکید بر رویکرد ارزش‌مبنا متمرکز شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر مطالعات متعددی صورت گرفته که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد.

مویدفر و عزیز (۱۴۰۲)، در پژوهش خود به توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس با رویکرد نوزایی شهری (نمونه موردی: محله پشت شهر) پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، راهبرد توسعه عرصه‌های همگانی با ایجاد کاربری‌های مناسب و سازگار در محله به‌منظور دستیابی به مکانی سرزنده، پویا، پرتحرک و فعال به‌عنوان تأثیرگذارترین راهبرد مطرح است. استراتژی ارتقاء مشوق‌ها، رفع موانع قانونی و تسهیلات به مالکین و ساکنین در جهت بهسازی و نوسازی کالبدی کاربری‌ها خصوصاً کاربری‌های مسکونی و خدماتی و ارتقاء کیفیت زندگی در محله از طریق تزریق امکانات زیستی و خدمات موردنیاز زندگی ساکنان و توسعه فضاهای سبز و پارک‌ها در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. بادکو و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهش خود تأثیر اعتبارات خرد بر توانمندسازی، اشتغال‌زایی و کاهش فقر در جوامع محلی (نمونه موردی: بخش احمدی، شهرستان حاجی‌آباد هرمزگان) را موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج بیانگر آن است که صندوق‌های اعتباری خرد در فقرزدایی با میانگین  $3/62$ ، در توانمندسازی و اشتغال‌زایی با میانگین  $3/52$  و بالاتر از حد نظری میانگین مؤثر واقع شده است. در نهایت نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین مؤلفه‌های موردبررسی و توسعه جامعه محلی وجود دارد. حیدرمنش و همکاران (۱۴۰۱)، به تبیین سناریوهای توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان در افق ۱۴۲۰ پرداخته و نشان می‌دهند که در تمامی سناریوهای به‌دست‌آمده، وضعیت دو شاخصه عمده فساد و قیمت مسکن در تمام سناریوها به سمت افزایش پیش خواهند رفت. به نظر می‌رسد، حتی خوش‌بینانه‌ترین تحلیل‌ها نیز گونه‌ای از مدیریت در حوزه سیاسی-اقتصادی فارغ از فساد را در نفت شهر آبادان پیش‌بینی نمی‌کنند. نیکپور و حسنعلی زاده (۱۳۹۹)، در پژوهشی به تحلیل میزان انطباق پهنه‌های بافت فرسوده شهری با پهنه‌های فقر (مطالعه موردی: شهر قائم‌شهر) پرداخته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تقریباً بین ۱۰ درصد از مساحت و جمعیت محدوده بافت فرسوده و پهنه فقر انطباق و هم‌پوشانی وجود دارد. از این‌رو بازنگری در طرح بافت فرسوده و شناسایی محدوده‌های جدید با به‌کارگیری روش‌های دقیق‌تر و در نظر گرفتن مسئله فقر شهری امری ضروری به نظر می‌رسد. شاطریان و ارمکی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان «رهیافت تجدید حیات شهری در راستای کاهش فرسودگی و فقر شهری، مطالعه موردی: بافت قدیم شهر کاشان» نشان می‌دهند که

شاخص‌های افت و فرسودگی شهری و همچنین شاخص‌های فقر شهری در بافت قدیم شهر کاشان به صورت ترکیبی از شرایط نزول کیفیت کالبدی و عملکردی بافت عمل کرده‌اند و ارتباط شاخص‌ها، مؤید فرضیات تحقیق است که ارتباط بین فرسودگی کالبدی و فرسودگی عملکردی و نظارت پایین سازمان‌ها و سیستم‌های کنترل و هدایت شهری و نبود یا اجرای نامناسب برنامه‌های شهری بر تشدید فقر در تمامی جنبه‌ها در بافت فرسوده شهری و نزول سطح کیفیت زندگی منجر شده است. اسماعیل‌پور و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود به تبیین علل خروج جمعیت از بافت تاریخی شهر یزد پرداخته و نشان می‌دهند عواملی مانند کیفیت محیط‌زیست، کیفیت دسترسی به خدمات، وضعیت فرهنگی، اسکان ساکنان غیربومی و پیامدهای اجتماعی آن، سیاست‌گذاری و مدیریت خدمات شهری، مسائل حقوقی در مالکیت، وضعیت اقتصادی ساکنان و تضعیف اصالت منطقه از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خروج جمعیت از این محدوده بوده‌اند؛ اما از بین عناصر فوق، عوامل اجتماعی و مدیریتی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده بودند. از نظر این پژوهشگران سیاست گردشگری بافت‌های تاریخی باید به وسیله‌ای برای توانمندسازی محل سکونت و حفظ بومیان تبدیل شود. کارلوس مورنو<sup>۱</sup> (۲۰۲۳)، در پژوهشی، سیاست‌های حمل‌ونقل را جهت توانمندسازی جامعه محلی برای کاهش فقر در یک محله محروم در کلمبیا مورد بررسی قرار داده و اذعان می‌کند، فقر اجتماعی از جمله با کمبود فرصت‌های آموزشی، دسترسی به حمل‌ونقل یا سیاست‌های حمل‌ونقل ضعیف ارتباط مستقیم دارد. در این راستا، سرمایه اجتماعی می‌تواند راه‌حلی برای کاهش نابرابری و فقر مدنظر قرار گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت هم‌زمان دولت و جامعه نه تنها می‌تواند وسایل حمل‌ونقل به شدت مورد نیاز را فراهم کند، بلکه انگیزه‌ای برای مقابله با مشکلات حمل‌ونقل بیشتر در سطح سیاست‌گذاری باشد. چهاردولی و سجادزاده (۲۰۲۲)، در پژوهش خود به دنبال ارائه مدل توسعه استراتژیک برای بازآفرینی هسته‌های تاریخی شهری: مطالعه موردی بافت تاریخی شهر همدان بوده و نشان می‌دهند حکمرانی شهری مطلوب، مشارکت جامعه، حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی ارزشمند و رویکردهای کارآفرینانه به هسته‌های تاریخی شهرها از موضوعات بسیار مهم در راستای بازآفرینی آن‌هاست. نتایج نشان داد که رویکرد اقتصادی گردشگری محور به هسته تاریخی همدان می‌تواند به عنوان پدیده محوری برای شکل دادن به مدل توسعه استراتژیک مورد استفاده قرار گیرد. در این الگو رویکرد اقتصادی مبتنی بر گردشگری می‌تواند مشارکت اجتماعی، احساس تعلق و خودانگیزگی اجتماعی را برای بازآفرینی بهتر هسته تاریخی شهرها بهبود بخشد. مالویچ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهش خود ضمن بررسی عدالت اجتماعی-محیطی و توانمندسازی گروه‌های فقیر شهری در مجارستان، نشان می‌دهند که به منظور توانمندسازی این گروه‌های فقیر و به حاشیه رانده شده، می‌بایست در سیاست‌گذاری برای این گروه‌ها، اقدامات مشارکتی افراد لحاظ گردد. در پژوهش تروملرووا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۵) که به بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی پهنه‌های فقیرنشین پرداخته‌اند، عواملی مانند، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، ملیت، فعالیت اقتصادی و سلامت، عوامل مهمی برای توانمندسازی در سطوح اجتماعی و فردی هستند.

با توجه به بررسی پیشینه تحقیق، مشخص می‌شود که در پژوهش‌های مرتبط، بحث توانمندسازی بافت‌های تاریخی در راستای کاهش فقر این بافت‌ها آن‌چنان مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که ماهیت بافت تاریخی، هرگونه بی‌توجهی به آن را از جهات مختلف بی‌اعتبار می‌کند زیرا هم از لحاظ فرهنگی، خاستگاه شهر امروزی و یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است، از لحاظ اجتماعی چه در صورت متروک شدن و چه کاربری‌های نامتناسب، بخشی از جامعه و ضامن زندگی انسان‌ها است، از لحاظ کالبدی با وجود همه فرسودگی و

<sup>1</sup> Carlos A. Moreno

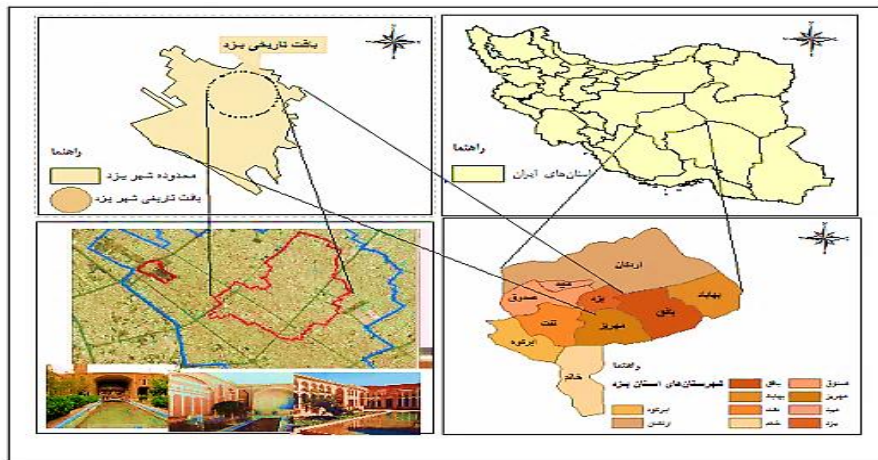
<sup>2</sup> Málóvics et all

<sup>3</sup> Trommlerová et all

فقر هنوز دارای ارزش معماری و شهرسازی بی‌نظیری است. لذا آینده‌پژوهی توانمندسازی در بافت‌های تاریخی به‌منظور کاهش فقر شهری مسئله‌ای است که در این پژوهش برای نخستین بار به آن پرداخته‌شده است.

### ۳ روش تحقیق

بافت تاریخی شهر یزد شامل ۹ برزن به نام‌های فهادان، گودال مصلی، گنبد سبز، گازرگاه، شش بادگیری، دولت آباد، شیخ خداداد، زرتشتی‌ها و پشت باغ و ۴۹ محله است (سرائی و علیان، ۱۳۹۴). جمعیت بافت تاریخی بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، ۳۳۹۵۸ نفر گزارش‌شده است که سهمی معادل ۶/۴ درصد از کل جمعیت شهر را به خود اختصاص داده است (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵). در بررسی گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های فرسوده شهر یزد، ۱۰ محله فرودست با مساحت ۲۸۰۸ هکتار و جمعیت بیش از ۸۰ هزار تشخیص داده‌شده که به‌طور پیوسته با شهر یزد شکل گرفته‌اند (اسماعیل‌پور و همکاران، ۲۰۲۳).



شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه

پژوهش حاضر با روش آینده‌پژوهی، به شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش فقر شهری در بافت تاریخی شهر یزد با تأکید بر رویکرد توانمندسازی و تدوین سناریوهای آینده این بافت در افق ۱۴۲۲ می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر ماهیت پژوهش، تحلیلی-اکتشافی، از نظر روش گردآوری داده‌ها به‌صورت توصیفی-پیمایشی و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به‌صورت آمیخته (کمی-کیفی) است. در این پژوهش با توجه به ماهیت اکتشافی آن از تکنیک پویش محیطی و با توجه به رویکرد غالب این پژوهش که آینده‌پژوهی است، از تکنیک دلفی جهت به دست آوردن شاخص‌ها استفاده‌شده است. چراکه به دلیل ماهیت متخصص محور آن، از طریق روش‌های مرسوم نظرسنجی از مردم، روش‌های تجربی و روش‌های میدانی قابل انجام نیست. از این رو، نیازمند یک پل از خبرگان متخصص در زمینه موضوع مورد مطالعه هستیم. بنابراین جامعه نمونه این پژوهش را گروه ۳۰ نفری از خبرگان متخصص میان‌رشته‌ای در زمینه‌های بافت فرسوده و تاریخی، فقر شهری و رویکرد آینده‌پژوهی تشکیل می‌دهند. بر اساس ادبیات علمی موجود در روش دلفی نظرات حداکثر ۳۰ نفر خبره برای انجام یک دلفی کفایت می‌کند (پاول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ لندتا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). مشخصات خبرگان در این پژوهش و سمت سازمانی آن‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است:

<sup>1</sup> Powell

<sup>2</sup> Landeta

جدول ۱. مشخصات گروه خبرگان و متخصصین

مشخصات	گزینه	تعداد نمونه در پنل
جنسیت	مرد	۲۰
	زن	۱۰
تحصیلات	دکترا	۴
	دانشجوی دکترا	۵
	کارشناسی ارشد	۱۱
	کارشناسی	۱۰
تخصص و سمت سازمانی	کارشناسان اجرایی شهرداری منطقه تاریخی شهر یزد	۸
	کارشناسان اجرایی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی	۷
	اساتید و دانشجویان دکتری	۱۵
رشته تحصیلی	مرمت و احیای بافت‌های تاریخی	۶
	معماری	۸
	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۱۲
	گردشگری	۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش: ۱۴۰۲

روش کار بدین‌صورت است که از مقالات آنلاین و مروری بر نوشتارهای منتشرشده در زمینه عوامل مؤثر بر توانمندسازی بافت‌های تاریخی در راستای کاهش فقر شهری، شاخص‌های موفق استخراج‌شده سپس توسط پرسشنامه تحقیق (شامل پاسخ‌های طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت و یک پرسش باز جهت اضافه شدن مؤلفه‌های جدید احتمالی) به نظر خبرگان دانشگاهی، سازمانی و حرفه‌ای آشنا با موضوع رسیده و پس از اخذ نظرات اصلاحی کیفی و کمی، نهایتاً طی دو دور رفت‌وبرگشت مؤلفه‌ها و ترکیب عوامل به اجماع نخبگان رسیده است. در تمام مراحل، تعیین میزان اهمیت عوامل در قالب طیف لیکرت و شامل گزینه‌های «تأثیر بسیار زیاد»، «تأثیر زیاد»، «تأثیر متوسط»، «تأثیر کم» و «تأثیر بسیار کم» صورت می‌گرفت. در مرحله اول دلفی تعداد ۶۰ سؤال در قالب ۳۰ پرسشنامه بین خبرگان توزیع گردید که تمامی آن‌ها به سؤالات مربوطه در آن پاسخ دادند. در این مرحله ضریب توافق کندال بین اعضاء پانل پایین و معادل ۰/۲۹۳ به دست آمد. میانگین پاسخ‌های داده‌شده در دور اول دلفی نیز بین ۳ تا ۵ است. با توجه به زیاد بودن تعداد شاخص‌ها و سؤالات پرسشنامه که اغلب اعضای پانل نیز به آن اشاره و بعضاً از آن شکایت داشتند، کلیه شاخص‌هایی که میانگین آن‌ها کمتر از ۳ (بر اساس نظر خبرگان) بود برای اجرای دور دوم دلفی حذف شدند. در مرحله دوم دلفی مجدداً تعداد ۳۰ پرسشنامه بین اعضای گروه توزیع و جمع‌آوری شد که با توجه به آن‌ها، ضریب توافق کندال در این مرحله ۰/۴۹۵ به دست آمد. در این مرحله با توجه به اینکه ضریب توافق بین اعضای پانل در خصوص سؤالات پرسشنامه در مقایسه با دور اول افزایش محسوسی داشته از ادامه دلفی صرف‌نظر شده و در این مرحله تعداد ۳۵ عامل به‌عنوان شاخص نهایی (به شرح جدول ۲)، جهت تحلیل ساختاری و شناسایی پیشران‌های کلیدی به نرم‌افزار میک مک فراخوانده شده است. در مرحله بعدی نیز سبد سناریوها از طریق شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی با استفاده از شاخص اجماع به دست آمده است.

## ۴ نتایج و بحث

با توجه به رشد و توسعه روزافزون شهر یزد به سمت حاشیه و اینکه عدم توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب بافت‌های فرسوده حاشیه‌ای از یک سو به تداوم افول کیفیت زندگی در این بافت منجر و از سوی دیگر به آسیب‌پذیری هر چه بیشتر آن و عدم همبستگی ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی این محلات با سایر محلات و سیستم شهر دامن میزند؛ در راستای توانمندسازی ساکنین بافت و ارتقای کیفیت زندگی در این بافت‌ها و جلوگیری از گسترش آن‌ها در این پژوهش به شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش فقر شهری با تأکید بر رویکرد توانمندسازی و تدوین سناریوهای محتمل در افق ۱۴۲۲ پرداخته شده است. در این راستا با تکنیک دلفی و پویش محیطی، به شیوه‌ای که در قسمت روش تحقیق تشریح گردید، ۳۵ عامل در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی استخراج (جدول ۲) و با تشکیل ماتریس ۳۵\*۳۵ وارد نرم‌افزار میک مک شد (جدول ۳).

جدول ۲. عوامل اولیه مؤثر بر کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی در بافت تاریخی یزد

عوامل	گروه
۱- وضعیت اشتغال خانوارها، ۲- مهارت‌های شغلی افراد، ۳- توان اقتصادی خانوارها، ۴- دسترسی به حمایت مالی، ۵- دسترسی به اعتبارات بانکی، ۶- دسترسی به اعتبارات خرد، ۷- وجود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، ۸- سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی، ۹- سیاست‌های کلان اقتصادی، ۱۰- وجود نظام‌های مالی انعطاف‌پذیر، ۱۱- بهبود فضای کسب‌وکار، ۱۲- وجود فرصت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی	عوامل اقتصادی
۱۳- سرمایه اجتماعی، ۱۴- سرمایه انسانی (بهداشت، آموزش و تغذیه)، ۱۵- اعتماد اجتماعی، ۱۶- تعامل، ۱۷- مشارکت در تصمیم‌گیری، ۱۸- تعلق خاطر به محله، ۱۹- آگاهی افراد در مورد قوانین زندگی شهری و شهروندی، ۲۰- امنیت تصرف، ۲۱- مهاجرت، ۲۲- سازوکار تبعیض‌آمیز و فقر زا بر پایه توزیع غیرعادلانه قدرت، ۲۳- دسترسی به اطلاعات در مورد تصمیمات محلی، ۲۴- سطح سواد ساکنین، ۲۵- آموزش‌های اجتماعی شهروندان، ۲۶- وضعیت حقوق زنان در منطقه، ۲۷- وجود تبعیض جنسیتی، ۲۸- بسیج اجتماعی	عوامل اجتماعی
۲۹- نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر، ۳۰- وجود زیرساخت‌های شهری، ۳۱- حکمروایی خوب شهری، ۳۲- مدیریت یکپارچه شهری، ۳۳- ارتقا امکانات رفاهی، ۳۴- دسترسی به سازمان‌ها و مؤسسات محلی، ۳۵- دسترسی به امکانات آموزشی، ارتباطی، تفریحی، بهداشتی و درمانی	عوامل مدیریتی

مأخذ: پنل دلفی، مطالعات پویش محیطی، حیدرمنش و همکاران، ۱۴۰۱، هاشم‌پور و همکاران، ۱۴۰۱، عیسی زاده و همکاران ۱۴۰۱، محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۷

جدول ۳. مشخصات اثرات مستقیم ماتریس

ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفرها	تعداد یک‌ها	تعداد دوها	تعداد سه‌ها	جمع	درصد خانه‌های پرشده
۳۵	۲	۶۵	۳۰۰	۶۱۴	۲۴۶	۱۱۶۰	۹۴/۶۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش: ۱۴۰۲

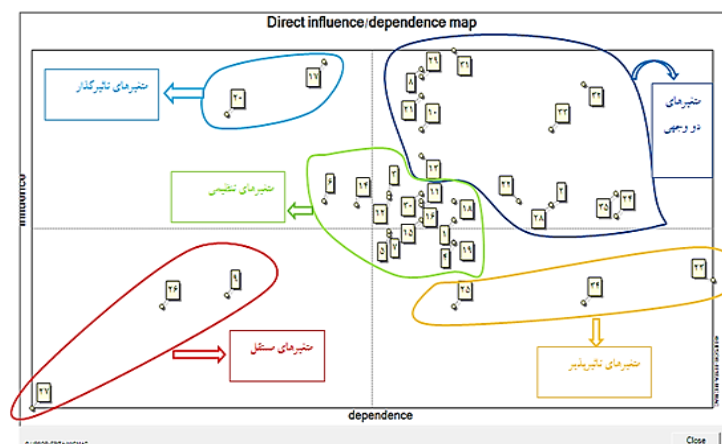
چنانکه مشاهده می‌شود، درجه پرشدگی ماتریس ۹۴/۶۹ درصد است. سهم بالای پرشدگی ماتریس، می‌تواند تبیین‌کننده وجود ارتباط بین پیشران‌های انتخاب‌شده و روابط دو دوتی همسان بین پیشران‌ها باشد. این مسئله دشواری تصمیم‌گیری در مورد توانمندسازی بافت تاریخی محدوده مورد مطالعه را در راستای کاهش فقر آشکار می‌نماید، چراکه وجود ارتباط زیاد بین پیشران‌ها بیانگر ضرورت اتخاذ راهکارهای دقیق و مطلوب برای پیشران‌های مختلف است چراکه عدم ارائه راهکار مطلوب برای هر پیشران، با توجه به ارتباط بین پیشران‌ها، ضرورتاً باعث افت وضعیت سایر پیشران‌ها خواهد شد. در ارتباط با بقیه روابط نیز، بر اساس نتایج تحلیل ساختاری در نرم‌افزار



میک مک، از مجموع روابط، امتیاز ۶۵ رابطه، عدد صفر بوده است. این امر نشان‌دهنده این است که عوامل بر یکدیگر تأثیر نداشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند که این تعداد نزدیک به ۵٫۶ درصد از کل حجم ماتریس را به خود اختصاص داده است. همچنین از مجموع ۱۱۶۰ رابطه ممکن در این ماتریس، ۳۰۰ رابطه عدد یک (۲۵٫۸۶٪)، ۶۱۴ رابطه عدد دو (۵۲٫۹۳٪) و ۲۴۶ رابطه، عدد سه (۲۱٫۲۰٪) است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌گر این است که روابط با شدت متوسط بالاترین میزان و روابط با شدت زیاد پایین‌ترین میزان را در سیستم دارا هستند. همچنین ماتریس بر اساس شاخص‌های آماری با ۵ بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن است.

پس از تحلیل سازمان فضایی و مشخصات محدوده مورد مطالعه، به تحلیل میزان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم عوامل پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج تحلیلی ماتریس اثرگذاری و اثرپذیری عوامل، متغیرهای حکمروایی خوب شهری، مشارکت در تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی و نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر بیشترین تأثیر را بر آینده توانمندسازی بافت تاریخی شهر یزد در راستای کاهش فقر شهری و متغیرهای وضعیت حقوق زنان در منطقه، وجود تبعیض جنسیتی کمترین درجه تأثیرگذاری را داشته‌اند.

در مرحله بعدی به تحلیل عوامل کلیدی بر اساس موقعیت قرارگیری در پلان اثرگذاری اثرپذیری پرداخته می‌شود. میزان اثرپذیری پیشران‌ها در کنار اثرگذاری مشخص‌کننده ماهیت یک پیشران است، پیشران‌هایی که تأثیرگذاری زیادی روی سایر پیشران‌ها دارند اما خود کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، جزو پیشران‌های محیطی یا ورودی سیستم محسوب می‌شوند، در مقابل پیشران‌هایی که بیشترین اثرپذیری و کمترین اثرگذاری را دارند پیشران‌های هدف یا خروجی سیستم هستند. چنانکه در بخش روش‌شناسی تحلیل ساختاری و نرم‌افزار میک مک ذکر شد، متغیرهای سیستم بعد از ارزیابی اثراشان بر یکدیگر توسط کارشناسان و بر اساس روابط ریاضی بین آن‌ها، روی یک نمودار (شبکه مختصات) با عنوان پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قرار می‌گیرند که موقعیت آن‌ها در نمودار بیانگر وضعیت پیشران در سیستم و نقش آن‌ها در پویایی و تحولات سیستم در آینده است. بر اساس موقعیت پیشران‌ها در نمودار، پیشران‌ها به تأثیرگذار، دووجهی (هدف ریسک)، تأثیرپذیر، مستقل و تنظیمی و میانی تقسیم می‌شوند:



شکل ۳. پلان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم

آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی بافت تاریخی شهر یزد در راستای کاهش فقر شهری می‌توان فهمید، وضعیت ناپایداری سیستم است. نحوه پراکنش عوامل بر روی این نمودار گویای آن

است که سیستم در چه وضعیتی قرار دارد. آیا سیستم پایدار است یا ناپایدار؟ این فهم اولیه از وضعیت سیستم بر نحوه تحلیل عوامل تأثیرگذار است. در سیستم‌های پایدار پراکنش عوامل به صورت L است یعنی برخی عوامل دارای تأثیرگذاری و برخی دارای تأثیرپذیری بالا می‌باشند؛ بنابراین در سیستم‌های پایدار مجموعاً سه دسته عوامل تأثیرگذار، عوامل تأثیرپذیر و عوامل مستقل مشاهده می‌گردد. در مقابل در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها عوامل در حول محور قطری بردار و در تمامی صفحه پراکنده‌اند و عوامل در اکثر مواقع حالتی بینابینی دارند. تحلیل این سیستم‌ها نسبت به سیستم‌های پایدار پیچیده‌تر است زیرا عوامل بیشتری در این سیستم‌ها دخیل است. این عوامل در مجموع به پنج دسته تقسیم می‌شوند که شامل: ۱- عوامل تعیین‌کننده یا تأثیرگذار؛ ۲- عوامل دوجوهی که خود دارای دو زیرمجموعه عوامل ریسک و هدف تقسیم می‌شود؛ ۳- عوامل تأثیرپذیر یا نتیجه سیستم؛ ۴- عوامل مستقل که خود به دو بخش عوامل گسسته و عوامل اهرمی ثانویه تقسیم می‌شود؛ ۵- عوامل تنظیمی می‌باشند.

جدول ۴. نحوه توزیع متغیرها بر اساس طبقه‌بندی آن‌ها

متغیر	طبقه‌بندی
امنیت تصرف، مشارکت در تصمیم‌گیری	متغیرهای تعیین‌کننده یا تأثیرگذار
سطح سواد ساکنین، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی، نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر، مهاجرت، حکمروایی خوب شهری، مدیریت یکپارچه شهری، ارتقا امکانات رفاهی، دسترسی به امکانات آموزشی، ارتباطی، تفریحی، بهداشتی و درمانی، مهارت-های شغلی افراد، بسیج اجتماعی، سازوکار تبعیض‌آمیز و فقر را بر پایه توزیع غیرعادلانه قدرت، سرمایه اجتماعی، وجود نظام‌های مالی انعطاف‌پذیر	متغیرهای دوجوهی
وضعیت اشتغال خانوارها، توان اقتصادی خانوارها، دسترسی به اعتبارات بانکی، دسترسی به اعتبارات خرد، وجود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بهبود فضای کسب‌وکار، وجود فرصت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی، سرمایه انسانی (بهداشت، آموزش و تغذیه)، اعتماد اجتماعی، تعامل، تعلق خاطر به محله، آگاهی افراد در مورد قوانین زندگی شهری و شهروندی، وجود زیرساخت‌های شهری، دسترسی به حمایت مالی	متغیرهای تنظیمی
دسترسی به سازمان‌ها و مؤسسات محلی، دسترسی به اطلاعات در مورد تصمیمات محلی، آموزش‌های اجتماعی شهروندان	متغیرهای تأثیرپذیر
سیاست‌های کلان اقتصادی، وضعیت حقوق زنان در منطقه، وجود تبعیض جنسیتی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش: ۱۴۰۲

در مرحله بعدی برای استخراج عوامل کلیدی، به جابجایی و همچنین رتبه‌بندی متغیرهای موردنظر به لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (مستقیم و غیرمستقیم) پرداخته می‌شود (جدول ۵). با توجه به اینکه برای محاسبات اثرهای غیرمستقیم نرم‌افزار ماتریس را چند بار به توان می‌رساند، جمع اثرگذاری و اثرپذیری‌های غیرمستقیم اعداد چندرقمی درمی‌آید و مقایسه آن با اثرهای مستقیم دشوار می‌شود. برای رفع این مشکل نرم‌افزار، جدول سهم عوامل بر اساس اثرهای مستقیم و غیرمستقیم را در مقیاس ۱۰ هزار ارائه می‌دهد. بر این اساس، مجموع اثرگذاری و اثرپذیری‌ها ۱۰ هزار محاسبه شده و سهم هرکدام از عوامل از این عدد نشان‌دهنده سهم آن از کل سیستم است.

جدول ۵. عوامل کلیدی مؤثر بر کاهش فقر با تأکید بر رویکرد توانمندسازی در بافت تاریخی شهر یزد

غیرمستقیم		مستقیم		رتبه
تأثیرگذاری	متغیر	تأثیرگذاری	متغیر	
۴۴۱	حکمروایی خوب شهری	۴۵۰	حکمروایی خوب شهری	۱
۴۲۹	مشارکت در تصمیم‌گیری	۴۳۷	مشارکت در تصمیم‌گیری	۲
۴۲۱	سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی	۴۲۸	سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی	۳

۴	نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر	۴۱۹	نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر
۵	مدیریت یکپارچه شهری	۴۱۰	مدیریت یکپارچه شهری
۶	مهاجرت	۳۹۷	مهاجرت
۷	امنیت تصرف	۳۷۵	امنیت تصرف
۸	وجود نظام‌های مالی منعطف	۳۵۷	وجود نظام‌های مالی منعطف
۹	ارتقا امکانات رفاهی	۳۵۷	ارتقا امکانات رفاهی
۱۰	سرمایه اجتماعی	۳۲۶	سرمایه اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش: ۱۴۰۲

بر اساس جدول (۵)، تعداد ۱۰ متغیر شامل متغیرهای، حکمروایی خوب شهری، مشارکت در تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی، نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر، مدیریت یکپارچه شهری، مهاجرت، امنیت تصرف، وجود نظام‌های مالی منعطف، ارتقا امکانات رفاهی و سرمایه اجتماعی به‌عنوان پیشران‌های کلیدی مؤثر بر کاهش فقر شهری با تأکید بر رویکرد توانمندسازی در بافت تاریخی شهر یزد به دست آمدند. متغیرهای مطرح‌شده در تأثیرگذاری غیرمستقیم بدون اندک جابجایی، در اثرگذاری غیرمستقیم نیز تکرار شده‌اند.

در این مرحله به‌منظور تدوین سناریوهای محتمل، ابتدا بایستی عدم قطعیت‌های بحرانی پژوهش مشخص گردد. بدین منظور در این قسمت از شاخص اجماع به‌منظور تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی استفاده شده است. شاخص اجماع نشان‌دهنده این است که خبرگان تا چه حد بر موضوع موردبحث اجماع و توافق دارند. هر چه شاخص اجماع به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده این است که درباره آن موضوع تشتت آراء وجود دارد و اجماعی بر یکی از آن دو حالت حدی وجود ندارد و بنابراین می‌توان گفت که متغیر مذکور همراه با عدم قطعیت است. نتایج حاصل از تحلیل و اندازه‌گیری این شاخص برای ده گزاره همراه با عدم قطعیت در توانمندسازی فقر شهری بافت تاریخی شهر یزد در جدول ۶ گزارش شده است.

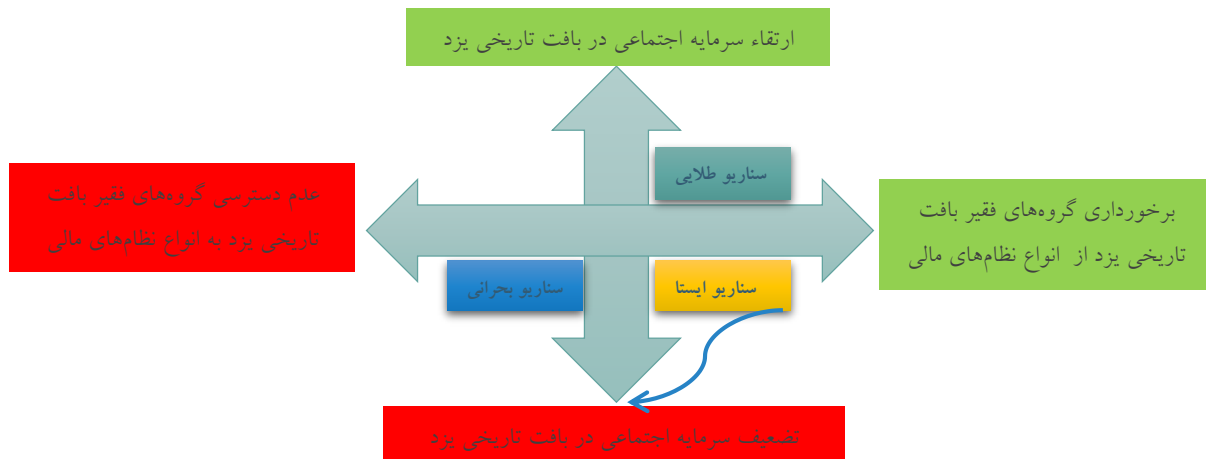
جدول ۶. تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی با استفاده از شاخص اجماع

شاخص اجماع	عدم قطعیت
۰/۸۷۵	حکمروایی خوب شهری
۰/۹۱۲	مشارکت در تصمیم‌گیری
۱/۰۵	سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی
۱/۳۴	نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر
۰/۹۲۸	مدیریت یکپارچه شهری
۰/۵۲	مهاجرت
۰/۹۴۲	امنیت تصرف
۰/۰۸	وجود نظام‌های مالی منعطف
۰/۳۴	ارتقا امکانات رفاهی
۰/۰۵	سرمایه اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش: ۱۴۰۲

با توجه به نتایج درج‌شده در جدول ۶، مشاهده می‌شود که این شاخص برای عدم قطعیت سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۰۵ و عدم قطعیت وجود نظام‌های مالی منعطف برابر با ۰/۰۸، بوده که بسیار نزدیک به صفر می‌باشند. به عبارتی درباره این دو عدم قطعیت در بین خبرگان اجماع وجود ندارد و می‌توان این دو عدم قطعیت را به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی انتخاب‌شده توسط شاخص اجماع در نظر گرفت. قابل‌ذکر است که مقدار شاخص

اجماع برای دیگر عدم قطعیت‌های موردبررسی در این پژوهش اختلاف بسیاری با دو عدم قطعیت بحرانی انتخاب‌شده دارد و نمی‌توان بر اساس این شاخص آن‌ها را عدم قطعیت بحرانی در نظر گرفت. لذا در این قسمت از تلاقی دو عدم قطعیت بحرانی سرمایه اجتماعی و وجود نظام‌های مالی منعطف، سه فضای سناریویی از آینده وضعیت توانمندسازی بافت تاریخی شهر یزد در راستای کاهش فقر در این محدوده ایجاد می‌گردد که حاصل تلفیق دو حالت حدی عدم قطعیت‌های بحرانی است.



شکل ۴. چارچوب منطقی سناریوهای آینده بافت تاریخی شهر یزد در رابطه با توانمندسازی فقر شهری

**سناریو اول- سناریوی طلایی:** این سناریو آینده‌ای از بافت تاریخی شهر یزد را به تصویر می‌کشد که سرمایه اجتماعی در این بافت به‌طور قابل‌توجهی ارتقاء یافته و ساکنین این بافت در راستای بهسازی و توانمندسازی محل سکونت خود به انواع نظام‌های مالی دسترسی دارند. در این سناریو، سرمایه اجتماعی در شرایط نبود یا کمبود سرمایه مادی و اقتصادی، عاملی در جهت جبران این کمبود و گسترش سرمایه مادی است. در این سناریو، حکمروایی خوب شهری و مشارکت در تصمیم‌گیری به‌عنوان راهبرد اصلی موردتوجه قرار گرفته و سعی در توجه به گروه‌های فقیرنشین و مشکلات آن‌ها در فرآیند اجرایی لحاظ گردیده است. از نظر اقتصادی نیز با مدیریت یکپارچه شهری و نگاه ویژه آن به توانمندسازی و کاهش فقر در این بافت‌ها و همچنین انواع سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی، سعی در تأمین امنیت تصرف و همچنین ارتقای انواع امکانات رفاهی در بافت شده است. تمامی این موارد در نهایت منجر به ارتقای ارزش‌های فرهنگی و احساس تعلق به خانه، محله و شهر در بافت گردیده و با کاهش روندهای مهاجرتی در بافت، ساکنین توانمند با مشارکت در طرح‌های بهسازی و بازآفرینی، باعث رونق و سرزندگی بافت فرسوده و تاریخی می‌شوند.

**سناریو دوم- سناریوی ایستا:** در این سناریو، ساکنین بافت تاریخی شهر در راستای توانمندسازی خود و رفع فقر در این محدوده به انواع نظام‌های مالی دسترسی دارند، لیکن سرمایه اجتماعی در این بافت روزبه‌روز در حال کمرنگ شدن است. رویکرد مدیریت شهری و انواع سرمایه‌گذاری‌های دولتی در راستای ارتقاء امکانات رفاهی و تأمین امنیت تصرف در طرح‌های توانمندسازی موردتوجه قرار گرفته است اما تبعات خلأ سرمایه اجتماعی در این محدوده، باعث عدم مشارکت مردم و پیدایش رویکردی از بالا به پایین و بدون توجه به الگوهای رفتاری و نظامی غیر مردمی، ایستا و غیر منعطف شده است. همچنین این مسئله با نگاهی از بالا به پایین و توجه صرف به الگوهای دوجانبه و بدون توجه به اثرات روانی این طرح‌ها بر زندگی مردم و الگوهای رفتاری آن‌ها نظامی ناکارآمد در این فرآیند پدید آورده است، که نتیجه آن بروز مشکلات اجتماعی چون فقدان هویت، بدبینی مردم به مسئولین و عدم حس تعلق در بافت‌های فرسوده تاریخی به وجود آورده است. با توجه به نمودار سناریوهای

محتمل، در صورت ادامه بی‌توجهی‌های موجود و عدم نگرش سیستمی و یکپارچه به مسئله فقر شهری در این بافت و توانمندسازی ساکنین، امکان تبدیل سناریو ایستا به حالت بحرانی بسیار زیاد است. لذا برنامه‌ریزی برای توانمندسازی گروه‌های فقیر و کم‌درآمد بافت تاریخی شهر یزد در این حالت باید با شرایط کاملاً محتاطانه انجام گیرد تا از حرکت به سمت بحران در محدوده جلوگیری به عمل آید.

**سناریو سوم- سناریوی بحرانی:** این سناریو از بین سه سناریو محتمل از آینده بافت تاریخی یزد، سخت‌ترین شرایط توانمندسازی را برای این بافت به همراه خواهد داشت. در این سناریو، به دلیل وجود مشکلات ساختاری در اقتصاد، بسیاری از نظام‌های مالی در راستای کاهش فقر بافت‌های فرسوده و تاریخی به صورت منعطف در دسترس تمامی گروه‌های اجتماعی قرار ندارد. به گونه‌ای که حتی گروه‌های فقیر و کم‌درآمد این بافت، هیچ‌گونه دسترسی به این نظام‌های مالی ندارند. هم‌زمان با این مسئله، با توجه به روند مهاجرت افراد بومی از بافت‌های فرسوده و جایگزینی افراد کم‌توان اقتصادی و مهاجر در این بافت، سرمایه اجتماعی در این محدوده به شدت مورد تهدید قرار گرفته است. تمامی این موارد باعث شده است تا رویکرد مدیریت یکپارچه شهری، جهت ساماندهی و توانمندسازی اجتماع محلی که با تأکید بر مشارکت همه شهروندان است، به‌طور کلی در این بافت، نادیده گرفته شود؛ و با توجه به وضعیت پیش‌آمده، به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های خصوصی به جهت عدم سودآوری برای این بخش، انجام نگردد. تمامی این موارد باعث فرسودگی و انزوای هرچه بیشتر بافت تاریخی شهر یزد گردیده، به گونه‌ای که در مقابل این مشکلات، برنامه‌ریزی برای توانمندسازی و کاهش فقر در این محدوده با رویکرد متفاوت از قبل و به صورت جامع و آینده‌نگر ضروری خواهد بود.

## ۵ نتیجه‌گیری

با توجه به ناشناخته بودن آینده، از بافت علمی آینده‌پژوهانه به روش سناریو نگاری در این پژوهش استفاده شده است. سناریو نگاری روش بسیار مؤثر و مفیدی برای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در شرایط عدم قطعیت است. شناسایی آینده‌های محتمل بافت تاریخی می‌تواند برخی از پیامدهای برنامه‌ریزی‌های کنونی را آشکار سازد و از این طریق سازمان‌های متولی این بافت‌ها می‌توانند با آمادگی و آگاهی بیشتر به استقبال این آینده‌های محتمل بروند. لذا بدین منظور در این پژوهش ابتدا به شناسایی پیشران‌های مؤثر کاهش فقر شهری با تأکید بر رویکرد توانمندسازی در بافت تاریخی شهر یزد پرداخته شده و سپس با تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی به تدوین سناریوهای محتمل برای افق ۱۴۲۲ پرداخته شده است. بدین منظور ابتدا با تکنیک پویا محیطی و روش دلفی ۳۵ عامل اولیه در ۳ حوزه مختلف اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی استخراج و با تحلیل ساختاری در نرم‌افزار میک مک میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل، پایداری و ناپایداری سیستم و درنهایت ۱۰ عامل به‌عنوان پیشران‌های کلیدی مؤثر بر توانمندسازی بافت تاریخی در راستای کاهش فقر شهری در بافت تاریخی یزد انتخاب شدند. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل ساختاری در نرم‌افزار میک مک، این پیشران‌ها به ترتیب عبارت بودند از: حکمروایی خوب شهری، مشارکت در تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی، نگاه مدیریت شهری به توانمندسازی و کاهش فقر، مدیریت یکپارچه شهری، مهاجرت، امنیت تصرف، وجود نظام‌های مالی منعطف، ارتقا امکانات رفاهی و سرمایه اجتماعی. در مرحله بعدی به منظور تدوین سناریوهای منطقی بافت تاریخی شهر یزد با استفاده از شاخص اجماع، دو شاخص سرمایه اجتماعی و وجود نظام‌های مالی منعطف به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی پژوهش به دست آمدند و درنهایت با روش تحلیل استقرایی و از تلاقی دو عدم قطعیت بحرانی، سه سناریو طلایی، ایستا و بحرانی برای آینده بافت تاریخی شهر ایجاد شدند. از بین سه سناریوی روبروی بافت تاریخی شهر یزد، در دو سناریوی ایستا و بحرانی این بافت با

مشکل مواجه خواهد شد و تنها سناریو اول می‌تواند شرایط توانمندسازی این بافت را در راستای کاهش فقر فراهم نماید.

مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌های مطرح‌شده در قسمت پیشینه نشان می‌دهد، پژوهش حاضر از آنجایی که فرایند توانمندسازی را به‌عنوان مؤثرترین راهکار خروج از فقر شهری در بافت‌های تاریخی مدنظر قرار داده، از منظر هدف، با بسیاری از پژوهش‌های مطرح‌شده در قسمت پیشینه پژوهش هم‌راستا است. به‌عنوان مثال، مویدفر و عزیزی (۱۴۰۲)، بادکو و همکاران (۱۴۰۱)، حیدرمنش و همکاران (۱۴۰۱)، کارلوس مورنو (۲۰۲۳)، مالویچ و همکاران (۲۰۱۹) و تروملروا و همکاران (۲۰۱۵)، همگی به بررسی راهبرد توانمندسازی در کاهش فقر شهری پرداخته‌اند؛ اما از نظر پیشران‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش نیز، نتایج این تحقیق هم‌راستا با پژوهش اسماعیل پور و همکاران (۲۰۲۳) است، چراکه در پژوهش ایشان، عوامل اجتماعی و مدیریتی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خروج جمعیت از بافت تاریخی و فقر و کاهش اصالت بافت تاریخی به‌دست‌آمده، در پژوهش حاضر نیز از بین متغیرهای سه حوزه، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی، متغیرهای بخش اجتماعی تأثیرگذارترین عوامل می‌باشند. همچنین در پژوهش‌های کارلوس مورنو (۲۰۲۳)، چهاردولی و سجاذزاده (۲۰۲۲) و مالویچ و همکاران (۲۰۱۹) سرمایه اجتماعی، مشارکت جامعه و اقدامات مشارکتی و حکمرانی شهری مطلوب به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی معرفی شده‌اند که از این نظر پژوهش حاضر هم‌راستا با پژوهش‌های یادشده است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت بافت‌های ناکارآمد شهرها و برنامه‌ریزی برای ریشه‌کنی آن، جدا از پرداختن به واقعیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیست بلکه مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و جامع واقع‌گرایانه است؛ لذا دانش موجود برای مواجهه با مسائل پیچیده و موجود ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد نیازمند اتخاذ تصمیم و رویکرد کارآمد است.

از این رو، برنامه‌ریزی با روش آینده‌پژوهی ضمن تشخیص بهترین فرصت‌ها و شناسایی واقعی‌ترین تهدیدها، آمادگی ما را در رویارویی با مسائل شهری به‌ویژه فقر شهری رسوخ کرده در این بافت‌ها افزایش می‌دهد تا از پیامدهای فاجعه‌بار افزایش فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد و مسئله‌دار در امان باشیم؛ بنابراین با توجه به پیشران‌های کلیدی به‌دست‌آمده و سناریوهای محتمل آینده، لازم است تمامی عوامل پیشران در سطوح مختلف بررسی شده و برنامه‌ریزی‌های لازم در راستای هرکدام از این نیروهای تأثیرگذار و همچنین سناریوهای به‌دست‌آمده صورت پذیرد.

## References

- Chahardowli, M., & Sajadzadeh, H. (2022). A strategic development model for regeneration of urban historical cores: A case study of the historical fabric of Hamedan City, Land Use Policy, 114. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105993>.
- Chandan, S., & Kumar, A. (2019). Review of urban conservation practices in historic cities. Int. J. Emerg. Technol, 10, Pp: 74-84.
- Della Spina, L. (2019). Multidimensional Assessment for "Culture-Led" and "Community-Driven" Urban Regeneration as Driver for Trigger Economic Vitality in Urban Historic Centers. Sustainability, 11 (24), Pp: 1-20. <https://doi.org/10.3390/su11247237>.
- Enemark, J. (2004). Urban Social Planning, Australia, Vilz University, Australia Press.

- Esmailpoor, N., Esmaeilpoor, F., Rezaeian, F. (2023). Explaining the causes of population outflow from the historical fabric of Yazd city, *Cities*, 137. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104318>.
- Landeta, J. (2006). Current validity of the Delphi method in social sciences, *Technological Forecasting and Social Change*, 73(5), Pp: 467-482. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2005.09.002>.
- Málóvics, G., Crețan, R., Berki, M., Tóth, J. (2019). Socio-environmental justice, participatory development, and empowerment of segregated urban Roma: Lessons from Szeged, Hungary, *Cities*, 19. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.11.013>.
- Moreno, C. (2023). Transport policy: Empowering local community for poverty alleviation in a deprived neighborhood in Colombia, *Case Studies on Transport Policy*, 13. <https://doi.org/10.1016/j.cstp.2023.101027>.
- Nosratabadi, S., Mosavi, A., Shamsirband, S., Zavadskas, E. K., Rakotonirainy, A., & Chau, K. W. (2020). Sustainable business models: A review. *Sustainability 2 (Switzerland)*, 1(11), 1-26.
- Powell, C. (2003). The Delphi technique: myths and realities, *J Adv Nurs*, 4(41), Pp: 376-382.
- Thomson, G. & Newman, P. (2018). Urban fabrics and urban metabolism – from sustainable to regenerative, cities, *Resources, Conservation and Recycling*. 132, Pp: 218-229. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2017.01.010>.
- Trommlerová, S.K., Klasen, S., Leßmann, O. (2015). Determinants of Empowerment in a Capability-Based Poverty Approach: Evidence from The Gambia, *World Development*, 66: Pp: 1-15. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2014.07.008>.
- UNDP and Oxford Poverty Initiative. (2019). *Global multi-dimensional poverty index 2019.illuminating inequalities*.
- World Bank. (2008). *World development report 2008*. New York City: Oxford University Press.
- Zheng, W., Shen, G. Q., Wang, H., Hong, J., & Li, Z. (2017). Decision support for sustainable urban renewal: A multi-scale model. *Land use policy*, 69, Pp: 361-371. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.09.019>.
- Tweed, C., & Sutherland, M. (2017). Built cultural heritage and sustainable urban development. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 1(83): Pp: 62-69.
- Meeks, S., & Murphy, K. C. (2016). *The past and future city: How historic preservation is reviving America's communities*. Island Press.
- Amanpour, S., & Hosseini Siah-Goli, M. (2020). Modeling the effects of urban poverty on the physical-spatial structure of worn-out tissues, a case study: Izeh city. *Bi Quarterly Journal of Urban Social Geography*, 7(2), Pp: 59-76, [in Persian]. <https://www.doi.org/10.22103/JUSG.2020.2019>.
- Badkoo, B., Ghasemisiani, M., Ranjbaraki, A., Shambayati, M., & Shakiba, A. (2022). The Effect of Microcredit on Empowerment, Job Creation and Poverty Reduction in the Development of Local Communities (Case Study: Ahmadi district, Hajiabad, Hormozgan). *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 12(44), Pp: 201-226. [in Persian]. <https://doi.org/10.22111/gaij.2022.39544.2955>.
- Bahadrinejad, M., & Zakir Haghighi, K. (2016). Explaining the mechanism of revitalization of historical textures using the re-creation approach (case example: Haji neighborhood in the historical area of Hamedan city). *Haft Hesar Environmental Studies*, 5(18), Pp: 5-18, [in Persian]. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23225602.1395.5.18.3.7>.

- Eskandrian, Gh., & Firozabadi, S. A. (2021). Analyzing the role and importance of the empowerment approach in dealing with informal settlements from the point of view of experts and professionals. *Urban and Regional Development Planning Quarterly*, 4(11), Pp: 57-86, [in Persian]. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.51284.1200>.
- Hashempour, R., Sifaei, M., & Salehi, N. (2022). Social Empowerment in Urban Informal Settlements by Relying on Assets, *Journal of Construction Engineering and Management*, 7(1), Pp: 74-66, [in Persian].
- Heidermanesh, S., Saberi, H., Azani, M., & Gandomkar, A. (2022). Development of Empowerment Scenarios for the Poor Residents of the Inefficient Structures of Naft Sharh of Abadan in 2041 Horizon. *Journal of Geography and Regional Development*, 20(4), Pp: 132-99. [in Persian]. <https://doi.org/10.22067/jgrd.2022.78038.1179>.
- Heydarmanesh, S., Saberi, H., Azani, M., & Gandomkar, A. (2022). Identifying the Strategic Drivers Affecting Poverty to Empower the Inefficient Oil Contexts of Abadan City (Iran) with a Foresight Approach in the Horizon 2041 (H2041) (1420-Solar Year). *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 7(22), Pp: 175-211 [in Persian]. <https://doi.org/10.22054/urdp.2022.67037.1425>.
- Iszadeh, I., Prizadi, T., & Iszadeh, V. (2022). Empowerment of neighborhoods with urban poverty (case study: Ismail Abad neighborhood, District 19 of Tehran Municipality). *Scientific Journal of Geography and Urban Planning*, 26(81), Pp: 151-171, [in Persian]. <https://www.doi.org/10.22034/gp.2022.48146.2896>.
- Mashhadizadeh Dehaghani, N., & Rostami, F. (2016). Organizing and empowering disorderly neighborhoods with a value approach, *Haft Shahr magazine*, 54: Pp: 71-52. [in Persian].
- Masoud, M., Moezzi, A. Mohammad. (2012). The asset approach is a new approach in organizing worn and historical textures. *Scientific Journal of Restoration and Architecture of Iran*, 2 (3): Pp: 63-78. [in Persian].
- Moayedfar, S., & azizi, S. (2023). Empowerment of Informal Settlements with Urban Renaissance Approach (Case Study: Poshteshahr Neighborhood, Bandar Abbas city). *Geography and Urban Space Development*, 10(1), Pp: 117-136. [in Persian]. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2022.71482.1073>.
- Mohamadi Dost, S., Moradi Rizi, M., & Khani Zadeh, M. A. (2018). Urban management in urban poor settlements assess the role of empowerment with emphasis on the wishes of the residents (Case Study: Isfahan Zainabiyya neighborhood). *Geographical Planning of Space*, 8(29), Pp: 147-166. [in Persian].
- Nikpour, A., & Hasanalizadeh, M. (2020). Investigating and analyzing the extent to which worn-out tissue adapts to poverty zones (Case study: Ghaemshahr, Mazandaran). *Physical Social Planning*, 7(1), Pp: 45-60. [in Persian]. <https://doi.org/10.30473/psp.2020.6798>.
- Rahban, S. (2009). economic analysis of worn-out fabrics for their organization (case example: Saqqez city), master's thesis, Payam Noor Sari University, [in Persian].
- Rezazadeh, R., Mohammadi Aidghmish, F., & Rafiyan, M. (2012). Development of the local community by taking advantage of the participatory capacities in the asset-based approach (case study: Imamzadeh Hasan neighborhood, district 17 of Tehran), *planning and preparation of space (Teacher of Humanities)*, 16(2): Pp: 37-55 [in Persian].
- Saraei, M.H., & Alian, M. (2015). Measuring and evaluating the level of neighborhood stability in the historical context of Yazd city, *Planning and Space Planning*, 19(1), Pp: 108-79, [in Persian].
- Shaterian, M., & Armaki, Z. (2015). The approach of urban revitalization in the direction of reducing urban decay and poverty, case study: the old context of Kashan city. *Geography*, 13(44), Pp: 119-142. [in Persian].



Original Research Article

# Future research of urban poverty in historical contexts with an emphasis on the empowerment approach Research case: historical context of Yazd city

Alireza Samadi<sup>1</sup>, Azade Arbabi Sabzevai<sup>2\*</sup>, Hamidreza Jodki<sup>3</sup>, Tooba Amirezdi<sup>2</sup>, Fateme Adibi Saadinejad<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Student of geography and urban planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor of Geography, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor of Geography, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.



10.22034/grd.2024.20272.1584

Received:

June 30, 2023

Accepted:

December 23, 2023

Keywords:

Future studies, urban poverty, historical context, empowerment, Yazd city

## Abstract

The problem of urban poverty is one of the main problems in historical contexts, which has emerged in various dimensions such as lack of security in ownership, income poverty of residents, vulnerability of citizens' livelihoods, legal poverty and social deprivation, etc. Meanwhile, the role and effects of empowerment can be very decisive in planning to deal with urban poverty in historical contexts. The purpose of this research is to identify the key drivers effective in reducing urban poverty in the historical context of Yazd city in order to empower this context and develop possible scenarios for the horizon of 1422. This research is applied in terms of purpose, analytical-exploratory in terms of the nature of the research, in terms of descriptive-survey data collection method and mixed (quantitative-qualitative) data analysis. The statistical population of the research is a group of 30 interdisciplinary experts in the fields of historical and dilapidated contexts, urban poverty, and the future research approach, who were selected by purposive sampling. 35 primary factors have been extracted in three different economic, social and managerial fields, and with structural analysis in Mic-Mac software, ten main factors have been identified as key drivers effective in reducing urban poverty with an empowerment approach. Based on the results of the factor influence matrix, out of a total of 2213 direct influence relationships of factors, social sector variables with a score of 938 have had the greatest impact in reducing urban poverty with the empowerment approach in the studied area. In the next stage, according to the consensus index obtained for these drivers, the two drivers of social capital and the existence of various types of flexible financial systems were identified as critical uncertainties, and from the intersection of these two uncertainties, three scenarios for the future of the historical context of Yazd were identified. It was obtained in the horizon of 2043.

E-ISSN: 2588-7009 /© 2023. Published by Yazd University. This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



\* **Corresponding Author:** Azade Arbabi Sabzevai

**Address:** Islamshahr Azad University, Islamshahr

**Email:** Az.Arbabi@iau.ac.ir

## Extended Abstract

### 1. Introduction

In the discussion of sustainable urban regeneration, the empowerment approach has been proposed as one of the newest approaches to face and manage the phenomenon of urban poverty. In the scope of the study, the studies conducted in the old context of Yazd city show that due to problems such as: lack of minimum necessary vehicle access, large extent of dilapidated and abandoned places, reduction of economic efficiency of manual or machine textile workshops, lack of rules and regulations Bright renovation for the reconstruction of dilapidated areas and separation of dilapidated spaces, the weakness of the area in terms of medical facilities, green space, sports, social, economic and cultural problems, as well as the low social status, young people do not consider it a suitable place to live, and that's why they go to new parts. They move and most of the old people stay in the houses of the old part. In case of mass migration of families from Baft or the death of the remaining elderly people, the houses will be handed over to the low-income immigrants who entered Baft. Currently, a major part of the ancient fabric is the shelter of villagers and various ethnic groups, including Arabs and Afghans. This will change the fabric in terms of social, physical and economic spaces, and finally the spatial-spatial construction of the city will face disharmony and imbalance. Therefore, paying attention to this context and the necessity of empowering the urban poor groups and reviving and improving the quality of social life in this space, as well as recognizing the potential values and bringing them into reality in accordance with the functions of modern life with a new method of planning, i.e. future research, is of importance. has a special Therefore, in this research, the most important drivers of urban poverty reduction in the historical context of Yazd city are identified with the future research method, with emphasis on the empowerment approach, as well as the development of possible scenarios.

### 2. Research Methodology

The current research, using the future research method, identifies the most important factors affecting the reduction of urban poverty in the historical context of Yazd city, emphasizing the approach of empowerment and compiling future scenarios of this context in the horizon of 2043. This research is applied in terms of purpose, analytical-exploratory in terms of the nature of the research, in terms of descriptive-survey data collection method and mixed (quantitative-qualitative) data analysis. In this research, due to its exploratory nature, the environmental scanning technique and due to the dominant approach of this research, which is prospective research, the Delphi technique has been used to obtain indicators.

### 3. Results and discussion

First, with the environmental scanning technique and the Delphi method, 35 primary factors were extracted in 3 different economic, social and managerial fields, and with structural analysis in MikMak software, the degree of influence and effectiveness of the factors, stability and instability of the system, and finally 10 factors as key drivers. They were selected as effective in empowering the historical context in order to reduce urban poverty in the historical context of Yazd. Based on the results obtained from the structural analysis in the Mikmak software, these drivers were respectively: good urban governance, participation in decision-making, government and private investments, urban management's view of empowerment and poverty reduction, management Urban integration, immigration, tenure security, existence of flexible financial systems, improvement of welfare facilities and social capital. In the next stage, in order to develop logical scenarios of the historical context of Yazd city, using the consensus index, two indicators of social capital and the existence of flexible financial systems were obtained as critical uncertainties of the research, and finally, with the method of inductive analysis

and the intersection of two critical uncertainties, Three golden, static and critical scenarios were created for the future of the city's historical fabric. Among the three scenarios facing the historical context of Yazd city, this context will face problems in two static and critical scenarios, and only the first scenario can provide the conditions for empowering this context in order to reduce poverty.

#### **4. Conclusion**

The inefficient textures of the cities and the planning to eradicate it, is not separate from paying attention to the economic, cultural and social realities and requires accurate, comprehensive and realistic planning; Therefore, the existing knowledge to face the complex issues and existing poor residents of inefficient tissues need to adopt an efficient approach and decision. Therefore, planning with the future research method, while identifying the best opportunities and identifying the most real threats, increases our readiness to face urban issues, especially the urban poverty that permeates these tissues, to avoid the consequences of disasters. increase in poverty Let's be safe in a city with inefficient and problematic structures; Therefore, according to the obtained key drivers and possible future scenarios, it is necessary to examine all driving factors at different levels and make necessary plans in line with each of these influential forces as well as the obtained scenarios.